



بررسی عوامل موثر بر مشارکت زنان در تعاونی‌ها و شکل‌های روستایی در سنندج (مطالعه موردی: دهستان تازه آباد بهارستان)

زهرا کریمی^۱، احمد قیدی^۲

چکیده

مشارکت در برنامه‌های توسعه، بویژه توسعه روستایی اهمیت زیادی دارد چرا که هیچ‌گونه برنامه‌ای بدون مشارکت مردم نمی‌تواند به موفقیت نایل آید. مسئله در مورد زنان روستایی اهمیت خاصی پیدا می‌کند و توانمندسازی این قشر از جامعه از مهم‌ترین سیاست‌های توسعه روستایی در عصر حاضر می‌باشد. یکی از راهبردهای طرح توانمندسازی زنان روستایی مشارکت در شکل‌ها و تعاونی‌ها می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق را زنان عضو شکل‌ها و تعاونی‌ها در دهستان تازه‌آباد بهارستان سنندج تشکیل دادند که ۷۴ نفر از آنها به روش نمونه‌گیری تصادفی به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که روایی آن توسط اعضای هیات علمی دانشگاه زنجان تایید شد و پایایی آن از طریق پایلوت تست و محاسبه ضریب کرونباخ آلفا تعیین شد ($\alpha=0/79$). نتایج نشان داد که میزان مشارکت زنان روستایی در شکل‌ها و تعاونی‌ها متوسط به بالا است و به عبارتی بیشتر زنان روستایی موفق به مشارکت در این شکل‌ها و تعاونی‌ها شدند. همچنین بر اساس نتایج مشخص گردید که از میان عوامل موثر بر میزان مشارکت زنان روستایی عواملی (گویه!!!) چون "هدف من در زندگی کسب حداکثر موفقیت است"، "احتمال موفقیت جمع بیشتر از فرد است"، "کار جمعی خود به خود مهارت بزرگی در زندگی به حساب می‌آید" و "کار گروهی باید از دوران طفولیت به کودکان آموزش داده شود" و همچنین "توانایی انجام کارها را مثل دیگران دارم"، بیشترین اهمیت را در میزان مشارکت زنان روستایی داشتند.

واژه‌های کلیدی: توسعه، مشارکت، زنان روستایی، شکل‌ها، تعاونی، سنندج.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه زنجان

^۲ استادیار ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه زنجان



مقدمه

توسعه پایدار روستایی پدیده‌ای چندبعدی با یک رویکرد جامع نگر و نظام مند در توسعه روستایی مطرح می‌گردد، که دارای ابعاد و ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی می‌باشد (احمدوند، ۱۳۹۳). بر این اساس مدیریت روستایی از مهم‌ترین ارکان و جزء تفکیک‌نشده‌ی توسعه روستایی بشمار می‌رود، با توجه به اینکه توسعه و رشد کشورها در گرو توسعه روستاها می‌باشد، پس اعمال مدیریت شایسته و کارآمد در این مناطق و بهره‌گیری از شیوه‌های مدیریت مشارکتی بر پایه حضور فعال مردم در فرآیند توسعه اهمیت بالایی پیدا می‌کند (علیانی، ۱۳۹۴). در واقع توسعه پایدار روستایی بر مشارکت روستاییان استوار است (استلاجی، ۱۳۹۱). هدف از این توسعه بهبود زندگی مردمان روستایی در یک روند پایدار است (Atchoarena and Gasperini, ۲۰۰۳). و زنان روستایی جزء لاینفک جمعیت روستاها به حساب می‌آیند و به همین لحاظ حضور فعال آنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌تواند منجر به تسریع روند رشد و توسعه جوامع مختلف گردد. از این نظر، بدون شک موضوعی که اذهان بسیاری از اندیشمندان، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان را به خود درگیر کرده است، نحوه ارتقای وضعیت و شرایط زنان به‌ویژه زنان روستایی در همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی (بخصوص در جوامع در حال توسعه) است (خواجه نوری و همکاران، ۱۳۸۷). زنان سازندگان و پرورش‌دهندگان نسل‌های آینده محسوب می‌شوند آن‌ها منبع انسانی بالقوه مهمی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور هستند، توجه ویژه به مسیر پیشرفت و توانمندی آن‌ها ضرورت دارد (طالقانی و همکاران، ۱۳۸۸). در دنیای کنونی نیل به اهداف توسعه بدون استفاده از ذخیره عظیم نیمی از پیکره جامعه یعنی زنان، امری غیرمنطقی و غیرممکن خواهد بود. در جامعه امروز ایران زنان با مشارکت در بعضی حیطه‌ها (همانند بخش آموزش‌های رسمی متوسطه و عالی و موسسات پژوهشی) نشان داده‌اند که توانایی‌ها و قابلیت‌های بالقوه فراوانی دارند و تحت شرایط مناسب می‌توانند مشارکت مؤثری در فرآیند توسعه کشور داشته باشند (کوشکی و همکاران، ۱۳۹۰). زنان روستایی علاوه بر نقش‌های متعارف خود در محیط خانه و انجام فعالیت‌های خانه‌داری، در تولید انواع محصولات اعم از محصولات زراعی، دامی، صنایع روستایی به صورت مستقیم دخالت داشته و به‌عنوان نیروی کار، منبع قابل توجهی در جامعه به حساب می‌آیند و سهم آنان در کشورهای رو به توسعه به مراتب بیشتر از سایر کشورهاست (بخشی جهرمی، ۱۳۸۵). علاوه بر نقش‌های فوق، امکان استفاده از این منبع جهت پیشرفت اقتصاد روستایی و افزایش نرخ رشد تولید محصولات و خدمات مختلف (اعم از کشاورزی و غیر کشاورزی)، از طریق مشارکت رسمی آنان در امر توسعه وجود داشته و همین باعث گردیده که بسیاری از کشورها با استفاده از روش‌هایی مانند تشکیل تعاونی‌ها، تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد روستایی، تشکیل گروه‌های خودیار محلی، توانمندی‌های این قشر را برای داشتن نقش فعال‌تر فراهم آورند (آجیلی، ۱۳۸۶).

یکی از راه‌های توانمندسازی زنان روستایی و مدیریت پایدار روستایی، ایجاد تشکل‌های کوچک مقیاس است. این فعالیت‌ها نه تنها باعث افزایش تولیدات ملی و اشتغال‌زایی می‌شوند، بلکه به استقلال اقتصادی و توسعه توانایی‌های شخصی زنان روستایی نیز منجر می‌گردد (Sathibama, ۲۰۱۰). فعالیت در قالب تشکل‌ها بستر لازم را برای رشد شخصیتی و ارتقای توانمندسازی‌های ذهنی و فکری زنان مهیا می‌کند و موجب شرکت فعال آن‌ها در فعالیت‌های گروهی می‌شود (روستا و همکاران، ۱۳۸۹). تشکل‌ها به منزله اهرمی مناسب به‌منظور توسعه اجتماعی و اقتصادی، ایجاد اشتغال و توسعه مشارکتی محسوب شده و مشارکت زنان روستایی در این قبیل تشکل‌ها تأثیر به‌سزایی در توسعه فعالیت آن‌ها و نیز توسعه روستاها خواهد داشت (نوری پور و همکاران، ۱۳۹۳). در زمان حاضر، تشکل‌های زنان روستایی از نظر اقتصادی و اجتماعی دارای اشکال مختلفی هستند که به صورت رسمی و غیررسمی فعالیت می‌کنند. از عمده‌ترین این تشکل‌ها می‌توان به تعاونی‌ها، صندوق‌های اعتبارات خرد، گروه‌های خودیار محلی و شبکه‌های تولیدکنندگان خانگی اشاره کرد که می‌توانند نقش مهمی در توسعه بخش روستایی ایفا نمایند (پاریاب و همکاران، ۱۳۹۲). مشارکت زنان روستایی در این قبیل تشکل‌ها عامل اساسی و تعیین‌کننده در توسعه پایدار روستایی به شمار می‌رود. مشارکت اصولی و برنامه‌ریزی‌شده زنان روستایی در فعالیت‌های توسعه‌ای همچون فعالیت در تشکل‌ها می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت‌های زیادی برای زنان روستایی باشد. در این راستا (یاوری، ۱۳۹۰) بیان می‌دارد تشکیل گروه‌هایی از زنان روستایی که به صورت خاص از آمادگی لازم برای مواجهه با مشکلات و موانع موجود در جریان رشد و توسعه جامعه روستایی برخوردار شده‌اند، ضمن ایجاد هم‌فکری و تبادل افکار داخل گروه و بین گروه‌ها، تقویت روحیه جمعی و تعاون، منجر به سازگار شدن بهتر طرح‌ها، پروژه‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌ها با نیازهای محلی و منطقه‌ای شده‌اند و نیز رشد استعدادها و خلاقیت‌های زنان روستایی، افزایش میزان بازدهی



در فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با زنان و افزایش سطح اعتماد به نفس آنان را در پی خواهد داشت. همچنین از نظر (Weber & Ahmad, 2014, Deining & Liu, 2013) افزایش توانمندی زنان روستایی به منزله ابزاری مؤثر در برابر فقر و گرسنگی است.

با توجه به اهمیت تعاونی‌ها و تشکل‌های زنان و عملکرد آنها در توسعه پایدار روستایی بعنوان یکی از موضوعات مهم مدیریت روستایی، در این تحقیق به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تعاونی‌ها و تشکل‌های روستایی در دهستان تازه آباد بهارستان در شهرستان سنندج پرداخته شده است.

رضایی‌مقدم و نعمت‌پور (۱۳۹۳) در بررسی خود تحت عنوان فعالیت در تشکل‌های تولید ورمی کمپوست، راهکاری برای توانمندسازی زنان روستایی مطالعه موردی استان فارس بیان کردند که از مهمترین تأثیرات تشکل‌های زنان بر جامعه روستایی ارتقای سطح آگاهی زنان و نیز افزایش اعتماد متقابل بین آنهاست، همچنین، از مهم‌ترین پیامدهای فعالیت در این تشکل‌ها برای زنان روستایی افزایش اعتماد به نفس و تقویت روحیه رهبری است، حذف نقش واسطه‌ها و ایجاد اشتغال نیز از جمله پیامدهای اقتصادی فعالیت در این گونه تشکل‌ها می‌باشد. احمد پور و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان عوامل مؤثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی شهرستان قائم‌شهر به این نتیجه رسیدند که میزان موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در سطح خوب (متوسط به بالا) بوده و رابطه مثبت و معنی‌داری بین عوامل اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، حمایتی، عملکردی و ویژگی‌های شخصیتی پاسخگویان با میزان مشارکت اعضا و موفقیت این صندوق است.

روستا و همکاران (۱۳۸۹) در بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌های تولیدی در استان خراسان جنوبی نشان داد سطح تحصیلات زنان روستایی باعث افزایش سطح آگاهی و روحیه خود باوری زنان روستایی شده که مستقیماً باعث افزایش مشارکت آنها در عرصه‌های مختلف اقتصادی اجتماعی می‌گردد و مشخص گردید که زنان متأهل مشارکت کمتری را در فعالیت‌های تعاونی بر عهده دارند. علاوه بر این نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین محل سکونت افراد با میزان مشارکت آنها در شرکت‌های تعاونی رابطه معکوسی وجود دارد. اعظمی و سروش مهر (۱۳۸۹) در بررسی تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آنان در تعاونی‌های تولیدی در مطالعه‌ای موردی در تعاونی توپ سازی شهرستان پاره و اورامانات نشان داد که وجود تعاونی‌های تولیدی در روستا و استفاده مناسب از آنها باعث افزایش سطح درآمد و رشد اقتصادی و سطح دانش و اطلاعات زنان روستایی خواهد شد. علاوه بر این نتایج این مطالعه نشان داد که رابطه مثبتی بین منافع اقتصادی زنان روستایی با میزان مشارکت آنها وجود دارد و رابطه معکوسی بین تعداد افراد خانواده با مشارکت آنها وجود دارد.

فردوسی و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی مشارکت زنان روستایی مشغول به فعالیت در تشکل‌ها در بنگلادش پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که دیدگاه اغلب زنان روستایی نسبت به این فعالیت‌ها نامساعد است. این محققان علت این امر را پایین بودن درآمدهای این فعالیت‌ها و نبود حمایت‌های دولتی می‌دانند.

آهی راثو و ساداوارت (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به بررسی محدودیت‌های اجتماعی و مالی و مشارکت نکردن و نگرش منفی روستاییان نسبت به فعالیت در تشکل‌های زنان روستایی در منطقه جالنا در ماهاراشترا پرداختند و به این نتیجه رسیدند که علت منفی بودن دیدگاه روستاییان تعداد فرزندان زیاد، تعصب نسبت به حضور زنان در جامعه روستایی، فقدان روحیه خطرپذیری و دریافت نکردن آموزش‌های مناسب در این زمینه است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی و بر اساس جمع‌آوری اطلاعات، پیمایشی و از نوع توصیفی می‌باشد که به روش میدانی اجرا شده است. ابزار اصلی برای جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد. بعد از مرور منابع کتابخانه‌ای و بررسی پیشینه نگاشته شده و اسناد موجود و گفتگو با اساتید و صاحب نظران در این زمینه متغیرها شناسایی شده و پرسشنامه طراحی شد. برای تعیین روایی پرسشنامه از نظرات اعضای هیات علمی استفاده شد و پس از انجام اصلاحات مورد نظر آنها، مورد تایید قرار گرفت. برای بررسی پایایی ابزار تحقیق از پایلوت تست با ۲۵ نفر از زنان روستایی خارج از نمونه اصلی تحقیق در دهستان تازه آباد بهارستان سنندج محاسبه ضریب



کرونباخ آلفا استفاده شد. مقدار ضریب آلفا کرونباخ برای بخش سنجش رضایت پرسشنامه برابر ۰/۷۹ به دست آمد که نشان دهنده پایایی مناسب آن بود.

جامعه آماری تحقیق حاضر تمامی زنان (۱۹۰) نفر عضو تشکل‌ها و تعاونی‌های روستایی دهستان تازه آباد بهارستان سمنجان بود که تعداد ۷۴ نفر به صورت نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. پرسشنامه‌ها به صورت دستی در اختیار زنان روستایی قرار گرفت. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS مورد پردازش قرار گرفت.

نتایج

بر اساس نتایج بدست آمده، پاسخگویان از ۱۵ تا ۶۷ سال سن داشتند که میانگین سنی آنان ۳۲/۱۱ سال با انحراف معیار ۱۲ سال بود. همچنین نتایج نشان داد که بیش از ۶۰ درصد زنان روستایی زیر ۳۱ سال سن داشتند. ۵۲/۷ درصد از پاسخگویان متأهل و ۴۷/۳ درصد مجرد بودند. میانگین تعداد افراد خانوار ۴/۴۱ نفر با انحراف معیار ۱/۳۷ نفر بود و بیش از ۵۲/۷ درصد خانواده ها زیر ۴ نفر جمعیت داشتند. همچنین نتایج حاصل نشان داد که بیش از ۹۵ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم به پایین بودند. اکثر پاسخگویان در کلاس ها و دوره هایی در زمینه تشکل های روستایی شرکت کرده بودند و به طور متوسط زنان در حدود ۹ تا ۱۰ دوره شرکت کرده بودند. بر اساس نتایج بدست آمده بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان تحت تکفل قرار داشتند. مشارکت زنان روستایی با استفاده از ۲۰ گویه و از طریق طیف لیکرت ۵ سطحی از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم سنجیده شد. نتایج در جدول ۱ گزارش شده است.



جدول ۱ عوامل موثر بر مشارکت زنان روستایی در تشکل ها

گویه	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
به طور کلی خودم را انسان موفق می دانم	۳/۸۱	۰/۸۳	۰/۲۱
خودم را از دیگران پایین تر نمی بینم	۳/۴۷	۰/۹۹	۰/۲۸
توانایی انجام کارها را مثل دیگران دارم	۳/۹۶	۰/۹۷	۰/۲۴
خودم را هیچگاه دس کم نگرفته و به سادگی تحت تأثیر قرار نمی گیرم	۳/۹۱	۱/۰۴	۰/۲۶
اشتباه لازمه موفقیت است و مهم این است که تبعات تصمیمات را قبول کرد	۳/۷۸	۱/۱۵	۰/۳۰
همواره حاضر به قبول انتقادات بوده ام	۳/۶۵	۰/۹۲	۰/۲۵
هدف من در زندگی کسب حداکثر موفقیت است	۴/۲۳	۰/۷۳	۰/۱۷
همواره دیگران به نظرات من با اهمیت می نگرند	۳/۵۴	۰/۸۶	۰/۲۴
تمایل دارم که در هر جمعی، نقش رهبری و گرداننده آن جمع باشم	۲/۹۶	۱/۰۷	۰/۳۶
ترس و واهمه ای از مواجهه با خطر ندارم	۲/۹۹	۱/۱۷	۰/۳۹
برای خروج از وضعیت ناخواسته، منتظر دیگران نمی شوم	۳/۱۸	۰/۹۲	۰/۲۸
به راحتی با دیگران می توانم کنار بیایم	۳/۷۷	۰/۶۹	۰/۱۸
نظراتم را به طور شفاف بیان می کنم	۳/۸۵	۰/۷۸	۰/۲۰
دوست دارم به جای حرف شنوی از دیگران، دیگران طبق حرف های من عمل کنند	۲/۴۵	۱/۰۳	۰/۴۲
جمع با هدف خاص، تصمیمات بهتری نسبت به تصمیم انفرادی می گیرند	۳/۵۵	۱/۱۱	۰/۳۱
اگر قدرت انتخاب داشته باشم کار در جمع را به انجام آن به تنهایی ترجیح می دهم	۳/۳۴	۱/۱۸	۰/۳۵
در دنیا امروز تنها کار به صورت جمعی قابل توجیح است	۳/۱۹	۱/۱۰	۰/۳۴
کار گروهی باید از دوران طفولیت به کودکان آموزش داده شود	۳/۹۵	۰/۷۷	۰/۱۹
کار جمعی خود به خود مهارت بزرگی در زندگی به حساب می آید	۳/۹۵	۱/۰۸	۰/۲۷
احتمال موفقیت جمع بیشتر از فرد است	۴/۰۹	۱/۰۰	۰/۲۴
نمره کل مشارکت	۳/۵۸	۰/۹۶	۰/۲۷

نتایج جدول ۱ نشان داد که میانگین نمره کل مشارکت زنان روستایی در تشکل ها ۳/۵۸ با انحراف معیار ۰/۹۶ بود. همچنین نتایج نشان داد که از بین عوامل موثر بر مشارکت در بین زنان روستایی عضو در تشکل ها و تعاونی ها دو عامل کسب حداکثر موفقیت و موفقیت جمعی بیشترین اهمیت را داشته است.

نتیجه گیری و پیشنهادات

توسعه روستایی مستلزم وجود نهادهای کارآمد است که برای تحقق اهداف توسعه باید از مطلوبترین سازماندهی ممکن بهره مند باشند از طرفی در توسعه روستایی نیز هدف توسعه، مشارکت روستاییان بخصوص اقشار محروم تر روستا یعنی زنان روستایی هستند از این رو مشارکت وسیله ای برای کمک به توسعه و بهره مند شدن از اثرات آن است که با تاسیس تشکل ها و تعاونی های روستایی و ماهیت مشارکتی آن، این امکان برای زنان روستایی فراهم آمده است. در این تحقیق با بررسی عوامل موثر بر میزان مشارکت زنان روستایی در تشکل ها و تعاونی ها امکان بررسی میزان مشارکت زنان روستایی فراهم آمد. بر اساس نتایج بدست آمده میزان مشارکت زنان روستایی در تشکل ها و تعاونی ها متوسط به بالا است و به عبارتی بیشتر زنان روستایی در این تشکل ها و تعاونی ها مشارکت فعال دارند. از میان عوامل موثر بر میزان مشارکت زنان روستایی عواملی هم چون "هدف من در زندگی کسب حداکثر موفقیت است"،



احتمال موفقیت جمع بیشتر از فرد است، کار جمعی خود به خود مهارت بزرگی در زندگی به حساب می آید و کار گروهی باید از دوران طفولیت به کودکان آموزش داده شود و همچنین توانایی انجام کارها را مثل دیگران دارم بیشترین اهمیت را در میزان مشارکت زنان روستایی داشتند. این نتایج با یافته های رضایی مقدم و نعمت پور (۹۳) و احمدپور و همکاران (۹۳) همسو می باشد. همچنین بر اساس نتایج مطالعه حاضر مشخص گردید که عامل هایی هم چون تمایل به داشتن نقش رهبری، نداشتن واهمه از مواجهه با خطر و عمل کردن دیگران بر طبق حرف هایم کمترین اهمیت را داشتند از اینرو پیشنهادات زیر برای میزان مشارکت بیشتر زنان روستایی در تشکل ها و تعاونی ها ارائه می گردد. از جمله دادن اعتماد به نفس به زنان و ترویج تفکر مثبت در میان آنها و این که توانایی انجام کارهای مختلف در خارج از محیط خانه را به نحو احسن دارند و همچنین آموزش دادن مزیت های کار جمعی و گروهی به فرزندان از دوران کودکی و همچنین فراهم کردن امکاناتی برای برگزاری کلاس های آگاهی بخش به زنان در مورد تعاونی ها و تشکل ها و مزیت های آنها در زمینه های مختلف به وسیله دستگاههای اجرایی در این زمینه ها توصیه می گردد.

منابع

- آجیلی، ع. عماد، س. (۱۳۸۶). توانمند سازی زنان روستایی و کاهش ضایعات محصولات کشاورزی. ماهنامه علمی، کشاورزی و زیست محیطی، سال ۵، شماره ۴۹.
- احمدپور، ا. عبدی ترکامی، م. سلطانی، ش. (۱۳۹۳). عوامل موثر بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی شهرستان قائم شهر. تعاون و کشاورزی، سال سوم، شماره ۱۲.
- احمدوند، مصطفی. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر دهیاری ها بر توسعه پایدار روستایی در شهرستان بویر احمد. فصلنامه روستا و توسعه. سال ۱۷، شماره ۳، صص ۲۳-۴۲.
- اعظمی، م. سروش مهر، ه. (۱۳۸۹). تاثیر متغیر های فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آنان در تعاونی های تولید (مطالعه ای موردی در تعاونی توپ سازی شهرستان پاوه و اورامانات)، پژوهش های روستایی، شماره ۴.
- استعلاجی، علیرضا. (۱۳۹۱). بررسی الگوی مدیریت روستایی در ایران با تاکید بر مدیریت محلی و مشارکتی دهیاری ها. جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران). دوره جدید. سال دهم. شماره ۳۲.
- بخشی جهومی، آ. محبوبی فر، م. (۱۳۸۵). جایگاه زنان روستایی و موانع مشارکت آنها در فرآیند توسعه. ماهنامه علمی، کشاورزی و زیست محیطی، سال ۳، شماره ۳۴، صص ۳۲-۳۰.
- پاریاب، ج. زمانی میاندرستی، ن. پزشکی راد، غ. جمالی، ح. (۱۳۹۳). نقش تعاونی های تولیدی در توانمندسازی زنان روستایی استان فارس مطالعه موردی: تعاونی روستایی زنان همایجان سپیدان، پژوهش های روستایی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۷۰-۴۵.
- خواجه نوری، ب. مقدس، ع. ا. (۱۳۸۷). جهانی شدن و سرمایه اجتماعی زنان، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۵، صص ۱۵۴-۱۳۱.
- رضایی مقدم، ک. نعمت پور، ل. (۱۳۹۳). فعالیت در تشکل های تولید ورمی کمپوست، راهکاری برای توانمندسازی زنان روستایی، مطالعه موردی: استان فارس، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۷، شماره ۳، صص ۱۰۳-۸۳.
- روستا، ک. تاجریزی، ا. زمانی پور، ا. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی در تعاونی های تولید، مجله تعاون، سال ۲، شماره ۲۱، صص ۹۲-۱۰۹.
- طالقانی، غ. پورعزت، ع. ا. فرجی، ب. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر سقف شیشه ای بر کاهش توانمندی زنان در سازمان توسعه برق ایران. نشریه مدیریت دولتی، ۲(۱)، ۸۹-۱۰۲.



علیائی، محمد صادق. (۱۳۹۴). تحلیلی بر مدیریت روستایی ایران با تاکید بر موقعیت اجتماعی و اقتصادی دهیاران. مطالعه موردی روستاهای شهرستان تکاب، استان آذربایجان غربی. *فصلنامه علمی - پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی*. سال هفتم. شماره ۴.

کوشکی، ف. ایروانی، ه. وکلانتری، خ. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر بهبود مشارکت زنان در صندوق های اعتبارات خرد روستایی: مطالعه موردی استان کرمانشاه. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۴(۱): ۳۳-۱۵.

نوری پور، م. توکلی تبار، ز. میرزایی، ش. (۱۳۹۳). سنجش سرمایه اجتماعی زنان عضو و غیر عضو تعاونی روستایی بخش مرکزی شهرستان چرام. *نشریه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۲، شماره ۱، ۱۵۱-۱۳۵.

Ahirrao, J. & Sadavarte, M. N. (۲۰۱۰). "Social & Financial Constraints of Rural Women Entrepreneur: A Case Study of Jalna District in Maharashtra". *International Referred Research journal*, ۳(۲۶): ۱۴- ۱۸.

Atchoarena, D & Gasperini, L. (۲۰۰۳). Education for rural development: towards new policy responses. A joint study conducted by FAO and UNESCO.

Ferdoushi, A, Chmhuri, S. & Idris, N. A. H. (۲۰۱۱). "Contribution of Rural Women to Family Income through Participation in Microcredit: An Empirical Analysis". *American journal of Applied Sciences*, ۸(۳): ۲۳۸-۲۴۵.

Weber, O. & Ahmad, A. (۲۰۱۴). Empowerment through microfinance: The relation between loan cycle and level of empowerment. *World Development*, ۶۲, ۷۵-۸۷.